

بررسی تأثیر برنامه‌های توسعه بر روند جرم

مسعود عالمی نیسی^۱

چکیده

اوایل دهه هفتاد هجری شمسی در کشور ایران جرایم به شدت افزایش پیدا کرد. یکی از دیدگاه‌های موجود علت آن را آثار منفی اقتصادی برنامه‌های اول و دوم توسعه مانند فقر، بیکاری و نابرابری می‌داند. در این مقاله، ضمن بررسی تجربی این دیدگاه، فرضیه دیگری بر مبنای نظریه تقسیم کار نابسامان دورکیم در دوران تغییرات سریع اقتصادی و نظریه‌های توسعه نامتوازن و شتابان مطرح و بررسی می‌شود که علت افزایش جرایم در اوایل دهه هفتاد را افزایش عدم انسجام کارکردی میان نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. این دو فرضیه نه تنها برای این مقطع، بلکه برای سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق متغیر عدم انسجام کارکردی نهادها از حالت نظری صرف خارج شده و شاخص اندازه‌گیری تجربی آن ساخته شده است. همچنین برای بررسی فرضیه‌ها از روش «تحلیل رگرسیون مقطعی سری‌های زمانی»^۲ استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: عدم انسجام کارکردی نهادها، جرم، تحلیل رگرسیون مقطعی سریهای زمانی، برنامه توسعه، بیکاری، نابرابری، تورم و درآمد سرانه.

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، masood_alami@yahoo.com

2. Segmented regression analysis of interrupted time series

طرح مسأله

قتل، دزدی، تجاوز به عنف، کلاه‌برداری، زمین‌خواری، خوردن مال یتیم و انواع و اقسام حق خوری، مثالها و مواردی است که روزانه یا در روزنامه می‌توانیم بخوانیم یا در میان فامیل و دوست و آشنا به گوشمان می‌رسد. شواهد نشان می‌دهد در معاملات ملکی و تجاری احساس امنیت میان مردم بسیار پایین آمده است، کاملاً بدیهی است که کسی در مورد طرف مقابل خود ظن و گمان بد ببرد و به او اعتماد نکند. جمله "دمها/اگر فرصتی گیر بیاورند سر هم دیگر را کلاه می‌گذارند" از مردم بسیار شنیده می‌شود و به خوبی ذهنیت آنها را منعکس می‌سازد. زنان و دختران سعی می‌کنند پس از تاریک شدن هوا تنها از منزل خارج نشوند. این چهره و ذهنیتی است که چندان با آن غریبه نیستیم و شاید به آن خو گرفته‌ایم. آیا تصویر جامعه ما همیشه اینگونه بوده است؟

اگر نگاهی به رویدادهای سه دهه اخیر در جامعه ببندازیم و دوران پس از پایان جنگ را با دوره انقلاب و جنگ مقایسه کنیم این دو مقطع را کاملاً متفاوت می‌بینیم. حوادث برجسته‌ای چهره این دو مقطع را از هم دیگر متمایز می‌کنند: «خفاش شب» قاتل حداقل ۹ زن و دختر جوان، «مجید» قاتل ۳۹ زن، «بیجه» قاتل بیش از ۲۰ پسر خردسال و نوجوان، «رفیق‌دوست» عامل اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات، «شهرام جزایری» مفسد اقتصادی و ... این موضوع را آمار نیز تأیید می‌کند؛ جدول ذیل حداکثر جرایم قتل عمد و سرقت را در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ هجری شمسی نشان می‌دهد.^۱

جدول ۱. مقایسه جرایم در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ هجری شمسی

قتل عمد	حداکثر در دهه ۶۰	حداکثر در دهه ۷۰	حداکثر در دهه ۸۰
۸/۹۵	۱۲/۳۸	۱۸/۳۵	
۱۱۵/۱۳	۶۰۳/۰۱	۷۲۲/۵۸	
سرقت			

دلایل این افزایش جرایم چه بود؟ در اوایل دهه ۷۰ چه رویدادهایی در کشور اتفاق افتادند که موجب شد چهره کشور به لحاظ جرایم این چنین تغییر نماید؟ باید خاطر

۱. مبنای این آمار تعداد پرونده‌های مختومه قوه قضاییه در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ که برای جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال به ازای هر صد هزار نفر در نظر گرفته شده است. آمار مربوطه از سایت اصلی مرکز آمار ایران با آدرس اینترنتی www.sci.org.ir گرفته شده است.

نشان کرد که پس از جنگ در برنامه‌های توسعه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸) و دوم (۱۳۷۹-۱۳۷۳) اهداف فرهنگی و اجتماعی مانند «احتراز جدی از بی‌نظمی، قانون‌شکنی و هر گونه تعدی و تجاوز به حقوق اشخاص، ملت و نظام» در نظر گرفته شده بودند^۱ و از سوی دیگر ما شاهد رشد اقتصادی به لحاظ درآمد سرانه ناخالص ملی از رقم ۳۶۰۰۵۶۰ ریال در سال ۱۳۶۸ (آغاز برنامه اول) به ۴۹۸۴۰۲۳ ریال در سال ۱۳۷۹ (پایان برنامه دوم) بودیم.^۲ چه موانع و عللی باعث عدم موفقیت این برنامه‌ها و افزایش جرایم، آن هم به شکل جهشی از اوایل دهه هفتاد شد؟

چهارچوب نظری

یکی از گفتمان‌های مشهور راجع به افزایش جرایم در اوایل دهه هفتاد، تأثیر برنامه‌های اول و دوم توسعه بر وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش فقر، بیکاری، تورم و نابرابری را علت این افزایش می‌داند. اقتصاددانانی چون فرشاد مؤمنی این نظریه را بسیار مورد کنکاش قرار می‌دهد. بر اساس دیدگاه‌های ایشان، خانم فاطمه بابایی در کتاب خود تحت عنوان «تعدیل ساختاری، فقر و ناهنجاری اجتماعی» این نظریه را با آمار و ارقام مورد سنجش قرار می‌دهد (بابایی، ۱۳۸۰). در این کتاب آسیب‌های اجتماعی طلاق، خودکشی، جرایم اطفال و نوجوانان، سرقت، اختلاس و ارتشاء و صدور چک بلامحل از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ مورد بررسی قرار گرفته و عامل افزایش آنها تورم، بیکاری، نابرابری و فقر عنوان شده است. نه تنها اقتصاددانان، بلکه از میان جامعه‌شناسان رفیع‌پور در کتاب توسعه و تضاد یکی از علل افزایش جرایم در این دوره را نابرابری می‌داند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷).

این مطالعات بیشتر در همان مقطع اجرای برنامه‌های اول و دوم انجام شده است و آمار و ارقام مورد استفاده آنها به دو تا سه سال پس از پایان برنامه اول (۱۳۷۲) محدود می‌شود. اما بر اساس علم آمار، تنها با ارزیابی داده‌های دو سه سال نمی‌توان نتیجه گرفت که علت افزایش جرایم مسایل اقتصادی بوده است و لذا باید روند طولانی‌تری از داده‌ها مورد بررسی قرار گیرد. اکنون که روند طولانی‌تری، حدود ۲۰ سال پس از

۱. نگاه کنید به (قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) و (قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران)

۲. سایت بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی <http://tsd.cbi.ir>

اجرای برنامه اول در دست می‌باشد صحت و سقم ادعای فوق دوباره در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اما تجربه کشورها در مورد برنامه‌های توسعه و سیاست‌های تعدیل اقتصادی، دیدگاه دیگری را تحت عنوان توسعه نا متوازن و شتابان تقویت می‌کند که به نوعی ادعای اصلی این مقاله است. این دیدگاه مبتنی بر سنت دورکیمی و نظریه تقسیم کار نابسامان دورکیم (دورکیم، ۱۳۶۹) و پیروان این نظریه است.

از نظر دورکیم، تغییرات وارد شده بر جامعه اگر آنقدر سریع باشد که جامعه نتواند خود را با آن سازگار نماید، موجب تقسیم کار نابسامان می‌شود؛ مانند ارگانیک‌سازی که اجزای آن فرصت کافی برای تعامل و برقراری نظم جدید را ندارد. در تقسیم کار نابسامان، نقش‌ها با هم دیگر هماهنگ نیستند (دورکیم، ۱۳۶۹، ۳۹۲). بنابراین از نظر دورکیم ممکن است در اثر تغییرات سریع اعمال شده بر جامعه، تقسیم کار نابسامان رخ داده و دیگر تقسیم کار موجب همبستگی نشود و لذا جرایم افزایش پیدا کند.

پارسونز دیدگاه دورکیم در مورد صور بیمارگونه تقسیم کار را بسط داده و نشان می‌دهد که تقسیم کار نابسامان در مرحله «سازگاری با محیط» (از مراحل چهارگانه تکاملی جامعه)^۱ رخ می‌دهد. در مرحله سازگاری با محیط، سازماندهی جامعه به سمت تمایز اجتماعی و تقسیم کار بالاتر برای بهره‌گیری بیشتر از منابع حرکت می‌کند و موضوعات اقتصادی اولویت اول شده و دیگر کارکردها به حاشیه می‌روند و لذا ممکن است الگوهای سنتی شکسته شده، کج رفتاری و انحراف در جامعه افزایش یابد (وینسلو، ۱۹۷۰، ۵ تا ۷ به نقل از (پارسونز، ۱۹۳۷)).

اسملسر مفهوم تمایز ساختاری و پیامدهای آن در نظریات دورکیم و پارسونز را از حالت نظری صرف بیرون آورده و آن را برای مطالعه نوسازی در کشورهای جهان سوم به کار گرفته است. از نظر اسملسر، نوسازی عموماً مشتمل بر تمایز ساختاری است؛ زیرا در این فرایند، ساختار پیچیده‌ای که کارکردهای چندگانه‌ای را برعهده دارد به ساختارهای تخصصی متعددی تقسیم می‌شود که هر یک تنها وظیفه خاصی را برعهده دارد. این مجموعه جدید متشکل از ساختارهای تخصصی، در کل همان وظایف

۱. در نظریه تکاملی، پارسونز معتقد است که برای رشد تکاملی جوامع مرحله‌ای وجود دارد. این مراحل حرکت چرخشی و به ترتیب میان چهار بخش نظام AGIL یعنی سازگاری، دست‌یابی به اهداف، یکپارچگی و نگاهداشت الگوها می‌باشد. بدین معنی در هر مرحله یکی از کارکردهای فوق در جامعه پررنگ می‌شود و به عنوان هدف اصلی جامعه مطرح می‌شود.

ساختار اولیه را انجام می‌دهد؛ با این تفاوت که کارکردها در زمینه جدید خود به شیوه‌ای بسیار کارآمدتر از گذشته به انجام می‌رسند. اسملسر بر این باور است که گرچه انفکاک ساختاری، ظرفیت کارکردی نهادها را بالا می‌برد، اما مسأله دیگری به نام ادغام و همسازی پیش می‌آورد که عبارت است از تطبیق و هماهنگ‌سازی فعالیت نهادهای مختلف جدید. این فقدان هماهنگی ممکن است در شکل‌های مختلف تضاد ارزشی ساختارهای جدید و قدیم و یا توسعه ناموزون بروز نماید. از نظر اسملسر فقدان ادغام و همسازی میان ساختارهای تمایز یافته به پیدایش آشفتگی‌های اجتماعی می‌انجامد. این آشفتگی‌ها که وی آنها را در جهان سوم بررسی می‌نماید می‌تواند در هر یک از اشکال مختلف تحریک مسالمت‌آمیز، خشونت سیاسی، ناسیونالیسم، انقلاب یا جنگ چریکی تجلی یابد (سو، ۱۳۸۰، ۴۰ تا ۴۳ به نقل از (اسملسر، ۱۹۶۴)).

پرایدمور که مقالات زیادی درباره جامعه پس از فروپاشی شوروی سابق دارد، در یکی از مقالات خود با عنوان «تحلیل سری‌های زمانی نظریه نابسامانی اجتماعی دورکیم: موردپژوهی فدراسیون روسیه» نظریه دورکیم را برای بررسی تأثیرات حرکت سریع از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد سرمایه داری بر افزایش جرایم پس از فروپاشی شوروی به کار می‌برد. پرایدمور در مقاله خویش ابتدا به وجود آمدن صور نابهنجار تقسیم کار دورکیم را مورد تفسیر مجدد قرار داده و می‌گوید منظور از تقسیم کار آنومیک عدم تعادل میان بخش ساختاری و اقتصادی با بخش فرهنگی است. منظور این است که تغییرات سریع در بخش اقتصادی یا سیاسی باعث می‌شود که بخش فرهنگی در تطبیق خود با بخش اقتصادی یا سیاسی عقب بماند و ارزش‌ها و هنجارهای لازم در جامعه شکل نگیرد. همین امر باعث افزایش جرم و جنایت در جامعه می‌شود. (پرایدمور و دیگران، ۲۰۰۷) در ادامه، پرایدمور به تشریح وضعیت روسیه پس از فروپاشی می‌پردازد و می‌گوید با فروپاشی روسیه اولاً آن نظام تأمین اقتصادی که در آن آسودگی اقتصادی برای آدمها فراهم بود (بیکاری کم بود، کنترل قیمتها توسط دولت انجام می‌شد، خدمات بهداشتی و فرصت‌های آموزشی همگانی فراهم بود و ...) فرو پاشید و فقر در جامعه گسترش یافت. از سوی دیگر ارزش‌های جمع‌گرایانه و اهمیت خانواده که افراد می‌توانستند بر دیگران تکیه کنند به سمت ارزش‌های غربی فردگرایانه و تأکید بر انباشت ثروت فردی حرکت کرد و افراد دیگر قادر به تکیه بر یکدیگر نبودند. ارزش‌ها و آرزوهای مادی گرایانه ناشی از فرهنگ غربی به فرهنگ روسی اضافه شد. نهادهای اجتماعی تحت تأثیر این فروپاشی اقتصادی قرار گرفته و افراد بیش از پیش در بدست

آوردن معاش خویش تنها ماندند و حتی به رقابت با دیگرانی که قبلاً بر آنها تکیه می‌کردند کشانده شدند. این شرایط در مجموع به معنای عدم سازگاری و تناسب میان بخش اقتصادی و اجتماعی است که همان تقسیم کار آنومیک دورکیم می‌شود (همان، ۲۰۰۷). پرایدمور اطلاعات مربوط به قتل، خودکشی و مرگ ناشی از اعتیاد به الکل را از سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۰۲ به صورت یک سری زمانی در نظر گرفته و دوره زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ را به عنوان دوره پس از فروپاشی در نظر گرفته است. سپس میزان این انحرافات در دوره قبل و بعد از فروپاشی را مقایسه نموده و نشان داده که این دو با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند و تغییرات سریع اتفاق افتاده در جامعه روسیه در عمل موجب افزایش شدید جرایم شده است (همان، ۲۰۰۷).

چائو متفکری چینی است که دوران گذار پس از اصلاحات اقتصادی اوایل دهه ۱۹۸۰ در چین را باعث افزایش جرائم در این کشور می‌داند. الگوی افزایش جرایم در چین در این دوره زمانی، الگویی دو قطبی بوده که در یک قطب آن افزایش سرقت در میان اقشار فقیر شهرنشین و در قطب دیگر آن جرایم کلان مانند اختلاس مالی در میان نخبگان می‌باشد. چائو، تئوری دورکیم برای تبیین این الگوی جرایم را ناکافی دانسته و بر پایه نظریه آنومی دورکیم و چند تئوری دیگر، نظریه آنومی-ناسازگاری نهادی را با هدف تبیین اوضاع چین ارایه می‌کند (چائو، ۲۰۰۸، ۱۴۳). تأکید آنکه برای تبیین الگوی دو قطبی افزایش جرایم تئوری دورکیم ناکافی شناخته شده است، و گر نه فرضیه اصلی برای افزایش جرایم از همان تئوری دورکیم آمده است. وی در مقاله «نظریه آنومی و جرم در چین در حال گذار» می‌گوید مقامات حزب کمونیست چین برای تحقق اهداف ایدئولوژیک کمونیستی خود از ابزارهای اقتصادی بازار آزاد و سرمایه‌داری استفاده کردند تا بگویند که کمونیسم چنین نتایجی دارد و چنین رفاهی را ایجاد می‌کند. در حالی که وقتی اقتصاد بازار آزاد وارد شد، عدم تجانس میان سطح سیاسی مبتنی بر کمونیسم، تک حزبی و اقتدارگرایانه با اقتصاد بازار آزاد به وجود آمد که خود این عدم تجانس موجب افزایش جرم در کشور چین شد (همان، ۱۴۴ تا ۱۴۵).

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول (فرضیه اصلی): جرایم پس از اجرای برنامه اول و دوم توسعه به این دلیل افزایش ناگهانی پیدا کردند که این برنامه‌ها، هم به دلیل ماهیت نامتوازن و عمدتاً

اقتصادی خویش و هم به دلیل اجرای شتابزده، موجب کاهش انسجام کارکردی میان نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه شدند و کاهش انسجام کارکردی موجب افزایش جرایم شد.

فرضیه دوم: بر اساس این فرضیه مشکلات اقتصادی ناشی از برنامه‌های اول و دوم، یعنی بیکاری، تورم، نابرابری و کاهش درآمد موجب افزایش جرایم در این مقطع شد.

تعریف مفاهیم

در فرضیه‌های فوق، جرم به عنوان متغیر وابسته و مفاهیم بیکاری، تورم، نابرابری و درآمد و نیز عدم انسجام کارکردی نهادها به عنوان متغیرهای مستقل مطرح شده است. از میان متغیرهای فوق «عدم انسجام کارکردی نهادها» و «جرم» نیازمند تعریف می‌باشد و بقیه متغیرها دارای تعاریف روشن اقتصادی است که از تعاریف بانک مرکزی در سایت بانک اطلاعات سریهای زمانی اقتصادی بانک مرکزی^۱ استفاده شده است.

تعریف عدم انسجام کارکردی نهادها: هماهنگی اجزای نظام جامعه در حرکت به سوی هدفی معین، از خیلی وقت پیش دغدغه بزرگان جامعه شناسی بوده است. می توان گفت همبستگی^۲ و انواع آن در نظریه دورکیم نقطه شکوفایی این مفهوم بوده است (دورکیم، ۱۳۶۹). با نگاهی به دایره المعارف های علوم اجتماعی می توان دریافت، که در دنیای جامعه شناسی امروز، مفهوم همبستگی، احتمالاً به دلیل همین ابهام ها، منسوخ شده و اصطلاح دقیق تر و جایگزین آن «انسجام اجتماعی»^۳ است. انسجام اجتماعی یعنی به خوبی در کنار یکدیگر قرار گرفتن و چفت شدن اجزای یک نظام اجتماعی به طوری که یک کل واحد را تشکیل بدهد (آنجل، ۱۹۶۸، ۳۸۰). بعدها مفهوم انسجام اجتماعی نیز به وجوه مختلف خویش تجزیه شده و لندکر^۴ در سال ۱۹۵۱ چهار نوع انسجام را از یکدیگر تفکیک کرد: ۱) انسجام فرهنگی؛ سازگاری میان استانداردهای فرهنگی ۲) انسجام هنجاری؛ سازگاری میان استانداردهای فرهنگی و رفتارهای افراد [جامعه] ۳) انسجام ارتباطی؛ درجه نفوذ شبکه روابط در سیستم اجتماعی و ۴) انسجام کارکردی؛ وابستگی متقابل میان واحدهای نظام تقسیم کار (همان، ۳۸۱). شاید

1. <http://tsd.cbi.ir/>

2. Solidarity

3. Social Integration

4. Landecker

نزدیک‌ترین مفهوم به مقصود ما انسجام کارکردی است که کسانی چون پارسونز و گولدنر نیز آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. انسجام کارکردی در کارکردگرایی ساختاری به ویژه کارکردگرایی اجتماعی به معنای انسجام میان ساختارهای اجتماعی و نهادهای پهن دامنه جامعه می‌باشد (ریتزر، ۱۳۷۴، ۱۲۰).

بیلی با نظریه آنتروپی اجتماعی خود مسیر جدیدی پیش روی مفهوم انسجام کارکردی باز کرد. بنا بر اعتقاد وی مفهوم انسجام پارسونز، مفهومی مبهم و سلیقه‌ای است که واقعاً نمی‌توان تعیین کرد که جامعه در چه زمانی به انسجام صددرد می‌رسد. او در نظریه خود تحت عنوان آنتروپی اجتماعی^۱ به جای مفهوم صفر و یکی تعادل، مفهوم فازی آنتروپی را مطرح می‌کند. آنتروپی، آشفتگی یا بی‌نظمی در جامعه درجاتی دارد و بالا و پایین می‌رود و این‌گونه نیست که در جامعه یا نظم هست یا بی‌نظمی؛ بلکه جامعه همواره در درجه‌ای از آنتروپی به سر می‌برد؛ آنتروپی بالا به معنای آشفتگی و بی‌نظمی و آنتروپی پایین به معنی نظم و انسجام است ((بیلی، ۱۹۹۰)، (بیلی، ۱۹۸۳)). در این تحقیق، نظریه آنتروپی اجتماعی بیلی مبنای قرار گرفته و لذا انسجام میان نهادها متغیر مستقل نیست؛ بلکه مفهوم عدم انسجام کارکردی میان نهادها که آن هم دارای درجاتی بوده و صفر و یکی نیست متغیر مستقل خواهد بود.

تعریف جرم: جرم در تعریف حقوقی آن، نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی است؛ در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد (دانش، ۱۳۶۸، ۴۳). اما در فهرست جرایم کتاب‌های قانون هم قتل جرم است و هم جرایم راهنمایی و رانندگی؛ واضح است که این دو را نمی‌توان به صرف نقض قانون یکسان در نظر گرفت. مفهومی که دغدغه اصلی ماست، افزایش تعدی و تجاوز مردم به حقوق مسلم و اولیه همدیگر است؛ مانند جان و مال و ناموس. نزدیک‌ترین مفهوم نظیر در ادبیات موضوع، جرم است. شاید نزدیک‌ترین مفهوم به جرایمی چون قتل، مفهوم جرایم طبیعی در مقابل جرایم قراردادی است. گاروفالو (جرم شناس ایتالیایی) معتقد است که جرایم بر دو گونه‌اند: اول، جرایم طبیعی و دوم، جرایم قراردادی. جرایم طبیعی جرایمی هستند که احساسات اولیه بشر، یعنی رحم و شفقت، حیثیت و شرافت را در هر گروه اجتماعی جریحه‌دار می‌کند؛ احساسات مذکور همیشه در نهاد بشر وجود دارد و تغییرناپذیر است و از قدیم‌الایام ملاک و مدرک تشخیص

خوب از بد قرار گرفته است. اما جرایم قراردادی، قانون حد و مرز و مصداق‌شان را تعیین می‌کند (برداشتی از همان، ۴۷). جرایمی که در این پژوهش به آنها می‌پردازیم، با وجود آن که قانون برای آنها مجازات تعیین کرده، اما جرایمی طبیعی هستند و دلیل اصلی انتخاب آنها در این پژوهش این است که در این گونه جرایم، مجرم آگاهانه و عامدانه جان، مال یا ناموس مردم را مورد تجاوز قرار می‌دهد. جرایمی که نظیر تعدی به این حقوق است شامل مواردی چون قتل، سرقت، جعل، کلاهبرداری، ارتشاء و تجاوز به عفت است.

روش تحقیق

با توجه به آن که هدف پژوهش بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر روند جرایم در دهه هفتاد می‌باشد، لذا سری زمانی از آمار جرایم و نیز متغیرهای مستقل، برای قبل و بعد از اوایل دهه هفتاد مورد نیاز است. از این رو آمار جرایم و متغیرهای اقتصادی از منابع آماری رسمی و معتبر داخلی و خارجی تهیه شده است.

عدم انسجام کارکردی نهادها متغیری است که برای آن داده وجود ندارد و لذا نیازمند شاخص‌سازی و جمع‌آوری اطلاعات می‌باشیم. چگونگی شاخص‌سازی برای این متغیر در مقاله جداگانه‌ای منتشر خواهد شد؛ اما به اختصار این شاخص‌سازی به طور کلی دو مرحله دارد: اول) اثبات مستند که سهم عمده فضای نهادی کشور به دولت^۱ تعلق دارد همانطور که نظریه‌هایی آن را مطرح کرده‌اند.^۲ دوم) با اثبات این موضوع، نهادهای حکومت می‌توانند نمونه معتبر و قابل تعمیمی از نهادهای جامعه باشند؛ زیرا که غالب فضای نهادی کشور متعلق به حکومت است. بنابراین گام دوم، یافتن شاخص اندازه‌گیری انسجام میان نهادهای حکومت است. شاخص‌های موجود مانند شاخص تحول برتلسمن (بی تی آی)^۳ و شاخص پیمایش توانایی دولت^۴ مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه حاصل شد که این شاخص‌ها جهت پژوهش حاضر قابل استفاده نیست و برای کشور ایران باید شاخص مناسب ساخته شود.

۱. دولت و حکومت در مقاله به جای همدیگر به کار می‌روند؛ ولی مقصود حکومت است (نگارنده).

۲. آزاد ارمکی، تقی. مبانی نظام اجتماعی ایران؛ خانواده دین و دولت.

<http://azadarmaki.ir/papers/khanevade-din-dolat.pdf>

3. Bertelsman Transformation Index (BTI)

4. State Capacity Survey

عنوان این شاخص «مغایرت‌های قانونی» است. شاخص مغایرت‌های قانونی، یعنی در هر سال چه نسبتی از قوانین و مقررات به تصویب رسیده در مجلس و دولت مغایر قوانین و مقررات عمومی کشور می‌باشد؟ چرا مغایرت‌های قانونی می‌تواند شاخص هماهنگی نهادهای حکومت باشد؟ هدف این است که بررسی شود تصمیماتی که در نهادهای حکومت و به طور خاص قوای سه گانه گرفته می‌شود تا چه اندازه با یکدیگر هماهنگی دارد؟! وجود این هماهنگی در واقع فرهنگ سازمانی هماهنگی است؛ به این معنی که تا چه اندازه این فرهنگ در آن نهاد وجود دارد که پیش از آن‌که تصمیمی اتخاذ کند تصمیمات و برنامه‌های سایرین و کل کشور را بررسی نماید؟ به زبان حقوقی، تا چه اندازه مصوبات یک سازمان پیش از تصویب نهایی از لحاظ مغایرت با قوانین و مقررات عمومی کشور، با قانون اساسی و با سیاست‌های کلان کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند؟ تا چه اندازه نویسندگان و کارشناسان متن این مصوبات دغدغه و توجه به این هماهنگی و عدم مغایرت را دارند؟ افزایش و کاهش این دغدغه نشان از کلیت رفتار هماهنگ با سایر سازمان‌ها در یک سازمان دارد.

از میان کلیه سازمان‌ها و نهادهای حکومتی، مصوبات هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی را به عنوان مهم‌ترین نهادهای تصمیم‌گیر و کلان در کشور مورد بررسی قرار دادیم. نهادهای معینی وظیفه بررسی مغایرت‌ها در مصوبات آنها را بر عهده دارند. مغایرت در مصوبات مجلس شورای اسلامی توسط شورای نگهبان قانون اساسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین مغایرت در مصوبات هیأت وزیران توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت در مجلس تشخیص داده می‌شوند. بر این اساس نسبت مصوباتی که توسط نهادهای یاد شده دارای مغایرت تشخیص داده شده به کل مصوبات دولت و مجلس، برای هر سال، از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ استخراج و به عنوان شاخص مغایرت‌های قانونی در نظر گرفته شد.

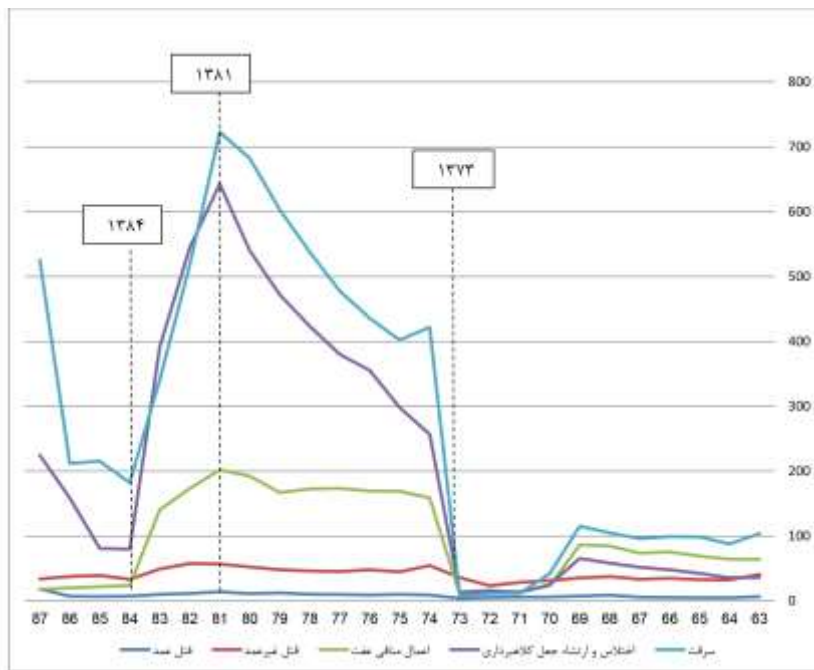
در مورد متغیر وابسته جرم، جرایم قتل عمد، قتل غیرعمد، سرقت، اختلاس، ارتشاء، جعل، کلاهبرداری و اعمال منافی عفت، بر مبنای پرونده‌های مختومه قوه قضاییه (برگرفته از سایت مرکز آمار ایران^۱) در نظر گرفته شد. این آمار در هر صد هزار نفر جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال که توانایی انجام جرم دارند محاسبه شده است. از آنجا که

قتل، سرقت و ... مفهوم جرم بودن آنها در تحقیق مهم است و نه قتل بودن، یا ماهیت سرقت، لذا شاخصی ترکیبی با عنوان جرم ساخته شد که حاصل جمع کلیه پرونده‌های قتل عمد، قتل غیر عمد، سرقت، اعمال منافعی عفت، جعل و کلاهبرداری و اختلاس و ارتشاء می‌باشد. برای اطمینان از اعتبار این شاخص، از آزمون آلفا کرومباخ استفاده شد که معادل ۰,۷۵۱ است و نشان می‌دهد که همه این‌ها با همدیگر مفهومی واحد تحت عنوان جرم را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

الف) الگوی تغییرات جرایم (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷)

در این تحقیق، جرایم قتل عمد، قتل غیرعمد، تجاوز به عنف، اختلاس، ارتشاء، جعل، کلاهبرداری و سرقت در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. نمودار زیر، روند آمار پرونده‌های مختومه قوه قضاییه برای جرایم فوق را نشان می‌دهد. این نمودار به خوبی نشان می‌دهد که جرایم در اوایل دهه هفتاد و به طور مشخص پس از سال ۷۳ روند افزایشی شدیدی داشته، در حالی که از سال ۶۳ تا ۷۳ تقریباً روند ثابت و حتی در مقطعی با کاهش نسبی همراه بوده است و لذا فرضیه اولیه مبنی بر افزایش قابل ملاحظه جرایم در کشور از اوایل دهه هفتاد اثبات می‌شود. اما نمودار دو مطلب دیگر را نیز نشان می‌دهد: اول آنکه از سال ۱۳۸۱ روند جرایم به شدت رو به کاهش گذاشته و تا سال ۱۳۸۴ تقریباً نزدیک به نرخ جرایم سال‌های دهه ۶۰ می‌رسد؛ دوم آنکه از سال ۱۳۸۴ دوباره یک روند افزایشی محسوسی مشاهده می‌شود.



نمودار ۱. روند جرایم از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷

هنگامی که با استفاده از «روش تحلیل رگرسیون مقطعی سریهای زمانی»^{۲۱} سری زمانی متغیر جرم مورد تحلیل قرار گرفت دریافت‌های فوق تأیید شده و چهار دوره مجزا برای روند جرایم از هم تمیز داده شدند؛ دوره اول (۱۳۶۳ تا ۱۳۷۳)، دوره دوم (۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱)، دوره سوم (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴) و دوره چهارم (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷). معادله رگرسیون مقطعی برای کل جرایم به صورت ذیل به دست آمد:

$$\text{جرم} = 264.8 + 187.7 * P1 - 670.1 * P2 + 609.5 * P3$$

P1 متغیری است در روش رگرسیون مقطعی که به صورت تصنعی وارد می‌شود و از ابتدای دوره دوم، یعنی سال ۱۳۷۴ از عدد یک شروع می‌شود و به موازات سال‌ها یکی یکی تا آخرین سال اضافه می‌شود تا به عدد ۱۴ برسد. این متغیر نشان دهنده شیب بوده و ضریب آن میزان و علامت شیب در دوره دوم را نشان می‌دهد. به همین ترتیب

1. Segmented regression analysis of interrupted time series

۲. جهت آشنایی با تحلیل رگرسیون مقطعی سریهای زمانی به منابع زیر رجوع شود:

(Wagner, Soumerai, Zhang, & Ross-Degnan, 2002) و (Perrin, 2009) و (ون آی & اسکاستر، ۱۳۸۱)

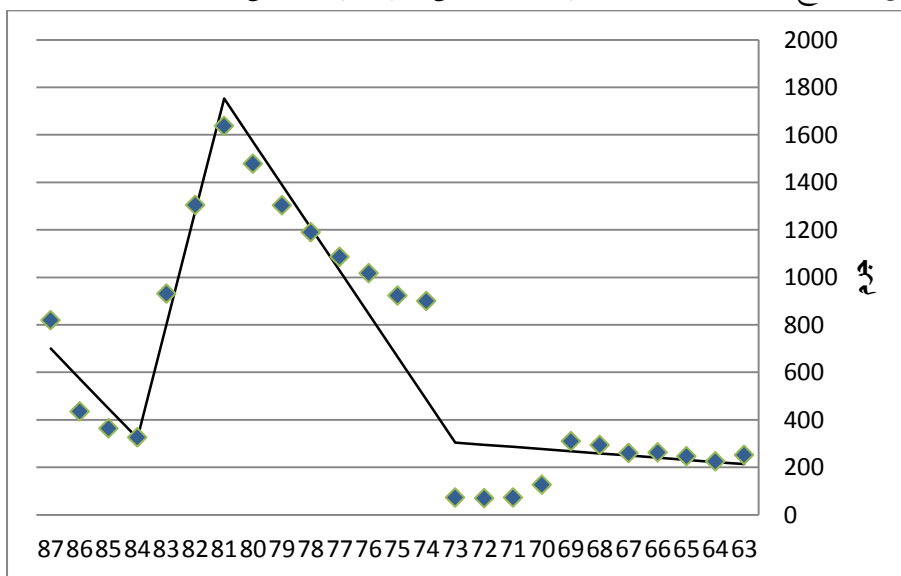
بررسی تأثیر برنامه‌های توسعه... ۲۰۳

P2 از ابتدای دوره سوم، یعنی از ۱۳۸۲ از عدد ۱ شروع و یکی یکی اضافه می‌شود و P3 از سال ۱۳۸۵ آغاز می‌شود. ضرایب این متغیرها نیز به ترتیب شیب دوره‌های سوم و چهارم را نشان می‌دهد.

همه ضرایب هم در سطح زیر ۰,۰۰۱ معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر، دریافت‌های فوق تأیید شده و روند جرایم برای هر یک از دوره‌ها به این شرح می‌باشد:

۱. دوره اول (۱۳۶۳ تا ۱۳۷۳): جرایم یک روند ثابت و تا حدی کاهشی داشته است (مقدار ثابت مثبت است)؛
۲. دوره دوم (۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱): جرایم روند افزایشی داشته است (ضریب P1 مثبت است)؛
۳. دوره سوم (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴): جرایم روند کاهشی داشته است (ضریب P2 منفی است)؛
۴. دوره چهارم (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) که به تدریج دوباره روند افزایشی یافته است (ضریب P3 مثبت است).

این موضوع در نمودار معادله رگرسیون مقطعی زیر بهتر دیده می‌شود.



نمودار ۲. رگرسیون مقطعی جرم در دوره‌های مختلف

به عبارت دیگر در مقاطع سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ رویدادهایی رخ داد که موجب تغییر معنی‌داری در روند جرایم در هر یک از این مقاطع شده است. مربع R بر اساس سه متغیر P1، P2 و P3 معادل ۰٫۹۰۷ است؛ یعنی رویدادها یا سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در این سه مقطع رخ داده است ۹۰ درصد تغییرات جرایم در ۲۵ ساله اخیر را تبیین می‌کند؛ این بدین معنی است که اگر تمامی رویدادهای مؤثر بر جرایم در این سه مقطع استخراج شود، ۹۰ درصد تغییرات جرایم در سطح کلان تبیین شده است و می‌توان از آن برای برنامه‌ریزی جامع پیشگیری از جرم بهره زیادی برد.

حال پرسش تحقیق این است که این رویدادها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و در یک کلام علت یا عللی که در این مقاطع رخ دادند چه بودند؟

ب) فرضیه تأثیر عوامل اقتصادی

آیا مشکلات اقتصادی ایجاد شده ناشی از برنامه‌های اول و دوم توسعه موجب شد تا در اوایل دهه هفتاد جرایم در کشور افزایش پیدا کند؟ آیا عامل کاهش جرایم پس از سال ۱۳۸۱ بهبود اوضاع اقتصادی بود؟ آیا پس از سال ۱۳۸۴ دوباره به مانند اوایل دهه هفتاد، وخامت اوضاع اقتصادی موجب افزایش مجدد جرایم شد؟ تورم، نابرابری و درآمد سرانه متغیرهایی هستند که وخامت اوضاع اقتصادی را نشان می‌دهد.^۱ آیا روند این متغیرها در مقاطع مورد بحث تغییر محسوسی کرده است؟ آیا رویدادی که در این مقاطع رخ داده از جنس اقتصادی بوده است؟ با تحلیل رگرسیون مقطعی بر روی سریهای زمانی هر یک از این متغیرها سعی شده به این سؤال پاسخ داده شود.

الف) نابرابری: نابرابری با استفاده از هر دو شاخص آن مورد آزمون قرار گرفت؛ نابرابری بر اساس ضریب جینی و نابرابری بر اساس سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین قشر جامعه. بر اساس ضریب جینی، ضرایب همبستگی رگرسیون مقطعی بدین صورت قابل ارایه است.

۱. بیکاری یکی از متغیرهای مهمی است که وخامت اوضاع اقتصادی را نشان می‌دهد؛ اما به دلیل تناقضات موجود در آمارها از آن استفاده نشد. برای شرح تفصیلی این تناقضات به (عالمی نیسی، ۱۳۹۰) بخش یافته‌ها مراجعه کنید.

جدول ۲. ضرایب معادله رگرسیون مقطعی نابرابری درآمدها (ضریب جینی)

Sig.	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
		Beta	خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۰	۸۹/۱۵۶		۰/۰۰۵	۰/۴۰۱	(Constant)	۱
۰/۱۳۷	۱/۵۴۸	۱/۱۷۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	P1	
۰/۳۹۳	-۰/۸۷۳	-۰/۵۶۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۳	P2	
۰/۵۲۳	-۰/۶۴۹	-۰/۲۹۵	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۳	P3	
۰/۴۶۷	-۰/۷۴۲	-۰/۴۲۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	Time	

هیچ‌یک از ضرایب رگرسیون برای نابرابری معنی‌دار نیست و فقط برای مقدار ثابت معنی‌دار است؛ لذا روند تغییرات نابرابری هم برای پس از اجرای برنامه اول و دوم، یعنی دوره دوم نسبت به دوره اول و هم برای مقاطع بعدی، تغییر معنی‌داری نمی‌کند. و در مورد نابرابری بر اساس شاخص نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، جدول ۳ ضرایب معادله رگرسیون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب معادله رگرسیون مقطعی نابرابری درآمدها (سهم دهک بالا به ده پایین)

Sig.	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
		Beta	خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۰	۳۵/۹۷۴		۰/۵۰۱	۱۸/۰۱۹	(Constant)	۱
۰/۰۰۲	-۳/۴۸۲	-۱/۴۱۴	۰/۰۶۷	-۰/۲۳۳	Time	
۰/۱۰۱	۱/۷۱۸	۰/۹۲۴	۰/۱۳۳	۰/۲۲۹	P1	
۰/۶۱۰	-۰/۵۱۸	-۰/۲۳۸	۰/۳۱۹	-۰/۱۶۵	P2	
۰/۸۵۹	-۰/۱۸۱	-۰/۰۵۸	۰/۵۳۸	-۰/۰۹۷	P3	

با وجود استفاده از شاخص متفاوت، ضرایب این معادله برای مقاطع زمانی مختلف معنی‌دار نیست و لذا در مورد نابرابری همان نتیجه به دست می‌آید.
(ب) تورم: جدول زیر ضرایب رگرسیون مقطعی تورم را نشان می‌دهد.

جدول ۴. ضرایب معادله اول رگرسیون مقطعی تورم

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۴۷	۲/۱۳۳		۵/۰۱۲	۱۰/۶۹۰	(Constant)
۰/۰۱۴	۲/۷۲۳	۱/۳۰۲	۰/۶۶۹	۱/۸۲۲	Time
۰/۰۰۶	-۳/۱۳۵	-۱/۸۴۷	۱/۳۳۶	-۴/۱۹۰	P1
۰/۳۶۳	۰/۹۳۳	۰/۳۶۳	۳/۴۲۴	۳/۱۹۳	P2
۰/۹۰۶	-۰/۱۱۹	-۰/۰۳۲	۱۲/۳۰۰	-۱/۴۶۷	P3

تنها ضرایب دو متغیر Time و P1 معنی‌دار است و لذا رگرسیون جدیدی بر اساس این دو متغیر گرفته شد و معادله آن بدین شکل درآمد^۱:

$$\text{تورم} = 11.635 + 1.586 * \text{Time} - 3.242 * P1$$

جدول و معادله مربوطه نشان می‌دهد که تورم تنها در دوره دوم نسبت به دوره اول تغییر معنی‌داری داشته و در مقاطع بعدی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۴) تغییر معناداری نداشته است. همچنین در دوره دوم نسبت به دوره اول، تورم روندی کاهشی داشته است و لذا این فرضیه که افزایش تورم موجب جرایم شده است، پذیرفته نمی‌شود.

ج) درآمد سرانه ناخالص ملی (برحسب گرم طلا): برای درآمد سرانه، ضرایب مربوط به متغیرهای P2 و P3 معنی‌دار نبود و معادله رگرسیون نهایی به شکل ذیل درآمد:

$$\text{درآمد سرانه} = 181.520 - 6.307 * \text{Time} + 11.280 * P1$$

این معادله نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی پس از اجرای برنامه‌های اول و دوم روند بهبود داشته و اوضاع اقتصادی به لحاظ درآمد سرانه بدتر نشده است تا موجب افزایش جرایم شود.

در مجموع، متغیرهای اقتصادی پس از اجرای برنامه‌های اول و دوم و نیز پس از سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ یا تغییر معناداری نداشته و یا آن‌که برخلاف تصور موجود، روند بهبود داشته و لذا نمی‌توانسته علت افزایش جرایم باشد. بنابراین می‌توان نتیجه

۱. با توجه به محدودیت صفحات، جدول این معادله درج نشد.

گرفت آن رویدادی که در این مقاطع سه گانه (۱۳۷۳، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴) روند جرایم را تغییر دادند، متغیرهای اقتصادی نبودند.

این نتیجه هنگامی بیشتر تقویت می‌شود که ضریب همبستگی میان متغیرهای اقتصادی و جرم در طول سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ اندازه‌گیری شود. نتایج این ضریب در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۵. ضرایب همبستگی (پیرسون) متغیرهای اقتصادی با جرم (جمع کل جرایم)

درآمد سرانه	تورم	ناابرابری	
۰/۲۴۱	-۰/۱۵۷	۰/۳۳۸	ضریب پیرسون
۰/۲۴۶	۰/۴۷۳	۰/۰۹۹	جرم Sig. (2-tailed)
۲۵	۲۳	۲۵	N

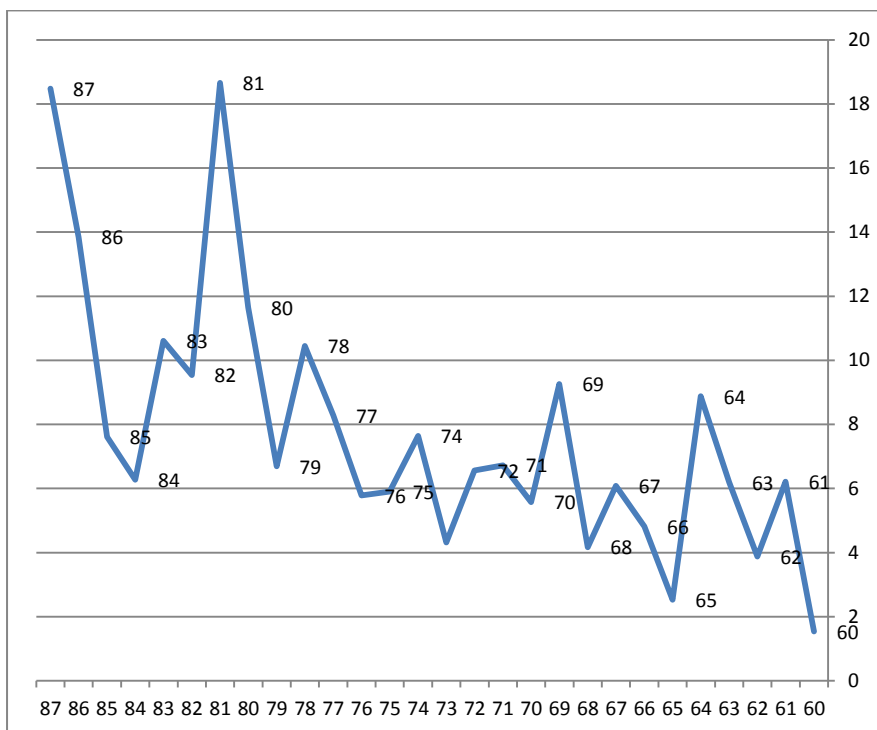
همانطور که در جدول بالا دیده می‌شود هیچ یک از ضرایب همبستگی پیرسون معنی‌دار نبوده و لذا می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها در این مقاطع سه گانه، بلکه برای کل دوره ۲۵ ساله، متغیرهای اقتصادی کلان اشاره شده، علت افزایش یا کاهش جرایم نبوده است.

ج) فرضیه عدم انسجام کارکردی نهادها

فرضیه دیگر درباره عدم انسجام کارکردی نهادهاست. آیا برنامه‌های اول و دوم توسعه تأثیر محسوسی بر میزان انسجام میان نهادهای جامعه داشته است؟ و از این طریق موجب افزایش جرایم شدند؟ آیا کاهش جرایم پس از سال ۱۳۸۱ و افزایش مجدد آنها پس از ۱۳۸۴ ناشی از تغییرات انسجام میان نهادها بوده است؟ پاسخ به این سؤالات هم به مانند متغیرهای اقتصادی، با استفاده از رگرسیون مقطعی داده می‌شود.

به دلایلی که بیان شد متغیر عدم انسجام کارکردی نهادهای جامعه به جای انسجام اندازه‌گیری می‌شود و این متغیر با استفاده از شاخص مغایرت‌های قانونی سنجیده می‌شود. نمودار زیر روند تغییرات مغایرت‌های قانونی را از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد.

نمودار ۳. شاخص کل مغایرت های قانونی



تحلیل رگرسیون مقطعی نشان می‌دهد که روند شاخص مغایرت‌های قانونی یا همان عدم انسجام کارکردی میان نهادهای جامعه در مقاطع سه گانه، یعنی در سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ تغییرات معناداری داشته است.

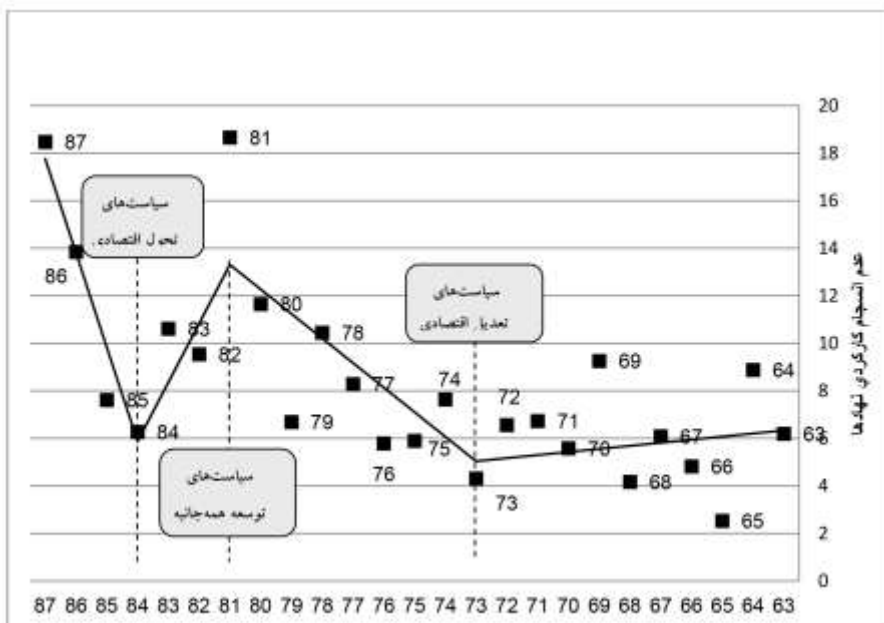
جدول ۶. ضرایب معادله رگرسیون مقطعی برای عدم انسجام کارکردی نهادها

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۸/۴۷۴		۰/۶۶۱	۵/۵۹۸	(Constant)
۰/۰۰۰	۴/۹۱۸	۱/۱۴۵	۰/۱۹۱	۰/۹۳۹	P1
۰/۰۰۱	-۳/۷۵۷	-۱/۴۵۳	۰/۸۸۷	-۳/۳۳۳	P2
۰/۰۰۱	۴/۰۷۳	۱/۱۴۳	۱/۵۵۶	۶/۳۳۸	P3

بر اساس داده‌های جدول فوق، معادله رگرسیون عدم انسجام نهادی به شکل ذیل درمی‌آید:

$$5.60 + 0.94 * P1 - 3.33 * P2 + 6.34 * P3 = \text{عدم انسجام کارکردی نهادها}$$

 نمودار معادله رگرسیون به دست آمده، در کنار داده‌های واقعی عدم انسجام کارکردی نهادها، در نمودار ذیل نشان داده شده است.



نمودار ۴. رگرسیون مقطعی عدم انسجام کارکردی نهادها

خط رگرسیون به خوبی نشان می‌دهد که تا ۱۳۷۳ عدم انسجام نهادی تقریباً یک روند ثابت داشته، اما پس از آن تا ۱۳۸۱ روند صعودی داشته است. در دوره سوم، عدم انسجام نهادی شروع به کاهش کرده و از سال ۱۳۸۴ روند صعودی آن دوباره آغاز می‌شود.

به عبارت دیگر هنگامی که سیاست‌های تعدیل اقتصادی در برنامه اول توسعه اجرا می‌شود، به دلیل توسعه نامتوازن و شتابان اقتصادی، انسجام میان بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه به هم می‌خورد و پس از سال ۱۳۷۳ روند افزایشی به خود می‌گیرد. در این مقطع تا سال ۱۳۸۱ سالانه به طور متوسط از هزار مصوبه مجلس و دولت ۰/۹۴ مصوبه (نود و چهار صدم مصوبه)، به میزان مغایرت‌ها

افزوده می‌شد و این افزایش کاملاً معنی‌دار است.

در دوره سوم و پس از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ ناهماهنگی میان نهادها روند نزولی پیدا کرده و به عبارت دیگر وضعیت به گونه‌ای است که انسجام میان نهادها با روند افزایشی همراه است. این موضوع هنگامی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که یادآوری شود برنامه سوم توسعه که توسعه‌ای همه جانبه را مدنظر قرار داده بود^۱ از سال ۱۳۷۹ آغاز شد. می‌توان گفت توجه همه جانبه به ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توسعه تأثیر محسوسی بر روند عدم انسجام نهادها گذاشته، به طوری که سالانه به طور متوسط به ازای هر هزار مصوبه ۳/۳۳ مصوبه (سه و سی و سه صدم مصوبه)، از مصوبات دارای مغایرت کم می‌شد. در دوره سوم نسبت به دوره دوم به میزان ۴/۲۷ مصوبه در هزار مصوبه، میزان مغایرت‌ها روند نزولی داشته است.

$$-4.27 = -0.94 - 3.33 = \text{تفاوت دوره سوم با دوره دوم}$$

اما در دوره چهارم و پس از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ عدم انسجام میان نهادها دوباره با روند صعودی مواجه شد. در این مقطع، در واقع با آغاز طرح تحول اقتصادی و توجه غالب و پر سرعت به ابعاد اقتصادی دوباره در جامعه شکاف ساختاری ایجاد شد و هماهنگی میان ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کاهش یافت؛ به طوری که سالانه به طور متوسط ۶/۳۴ مصوبه در هزار مصوبه، به مصوبات دارای مغایرت قانونی اضافه می‌شد؛ که نسبت به دوره قبل از آن به میزان ۹/۶۷ در هزار مصوبه روند افزایشی داشته است:

$$9.67 = 6.34 - (-3.33) = \text{تفاوت دوره چهارم با دوره سوم}$$

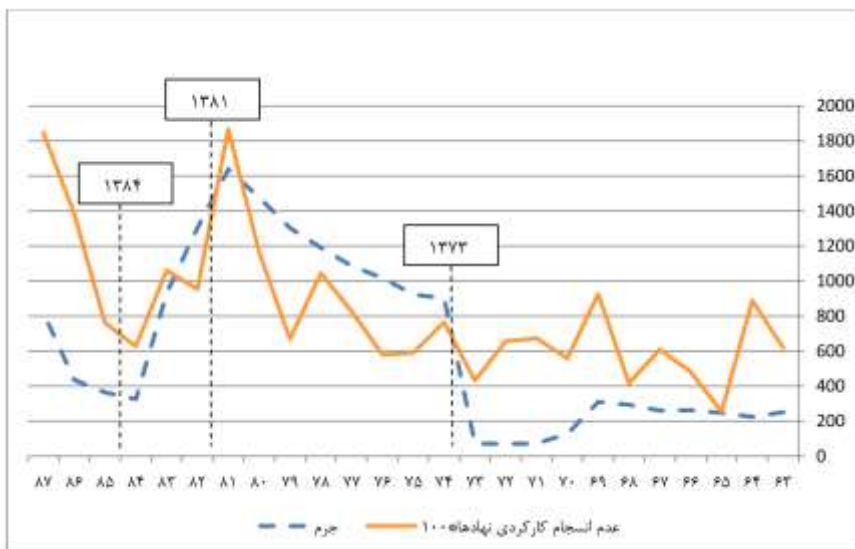
بنابراین، روند عدم انسجام کارکردی میان نهادهای جامعه با اجرای برنامه‌های اول و دوم، از سال ۱۳۷۴ روندی افزایشی پیدا کرد و پس از برنامه سوم توسعه که برنامه‌ای همه جانبه بود در سال ۱۳۸۱ کاهش یافت و با اجرای سیاست‌های تحول اقتصادی در سال ۱۳۸۴ این عدم انسجام دوباره روند افزایشی یافت. در مجموع، عدم انسجام نهادها در همان مقاطع سه‌گانه‌ای که روند جرایم تغییر کرد، تغییرات محسوسی داشته است و می‌توان ادعا کرد که یکی از رویدادهای مهم تأثیرگذار بر روند جرایم در این مقاطع سه‌گانه مربوط به عدم انسجام نهادها بوده است.

۱. جهت مقایسه برنامه‌های اول تا چهارم توسعه به لحاظ توجه به توسعه پایدار به این منبع مراجعه نمایید (نادری مهدی، کلانتری، حسینی، & اسدی، ۱۳۸۸).

بررسی تأثیر برنامه‌های توسعه... ۲۱۱

هنگامی که نمودار تغییرات جرایم در کنار نمودار عدم انسجام نهادها قرار داده شود هم‌تغییری این دو متغیر به ویژه در مقاطع سه‌گانه به خوبی قابل مشاهده است.

نمودار ۵. جرایم و عدم انسجام نهادها در سه دهه اخیر



از سوی دیگر، اندازه‌گیری ضریب همبستگی میان عدم انسجام نهادها و جرم نیز این هم‌تغییری را کاملاً تأیید می‌کند.

جدول ۷. ضریب همبستگی جرم با عدم انسجام کارکردی نهادها

جرم (جمع کل جرایم)	عدم انسجام کارکردی نهادها	
۰/۵۴۶**	ضریب پیرسون	(شاخص مغایرت‌های قانونی)
۰/۰۰۵	Sig. (2-tailed)	
۲۵	N	

این نمودار و جدول نشان می‌دهد که با افزایش عدم انسجام نهادها در اثر سیاست‌های تعدیل پس از سال ۱۳۷۳، جرایم نیز افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳۸۱ با اجرای برنامه همه‌جانبه توسعه سوم، جرایم با روند کاهشی همراه شد؛ به طوری که میزان جرایم تا سال ۱۳۸۴ به مقدار آن در سال ۱۳۶۹ نزدیک شد. همچنین با آغاز سیاست‌های تحول اقتصادی پس از سال ۱۳۸۴ دوباره تجربه سیاست تعدیل تکرار شد و با توجه صرف به

مسایل اقتصادی، عدم انسجام میان نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افزایش یافته و در پی آن نیز روند افزایشی جرایم شکل گرفت. از سوی دیگر، ضریب همبستگی پیرسون در جدول فوق، تأثیر عدم انسجام نهادها بر جرایم را نه تنها در مقاطع سه‌گانه، بلکه در کل ۲۵ سال (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷) نشان می‌دهد.

رگرسیون جرایم بر انسجام نهادها نشان می‌دهد که مربع R معادل ۰,۷۳۹ است و این موضوع به معنی آن است که عدم انسجام کارکردی نهادها به تنهایی ۷۰ درصد تغییرات جرایم در طول ۲۵ سال را تبیین می‌کند، که این موضوع حکایت از تأثیر جدی آن بر جرایم دارد؛ به طوری که اگر اقدامات و برنامه‌های سیاست‌گذاران مانند دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ عدم انسجام را کاهش دهد می‌تواند در عمل میزان جرایم را به طور قابل توجهی کاهش دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای تحقیقات آینده

مطلب اول: برنامه‌های اول و دوم توسعه برخلاف مطالعاتی که صورت گرفته است، آثار و پیامدهای منفی اقتصادی مانند تورم، نابرابری و کاهش درآمدها در پی نداشت و به همین دلیل بر اساس قول مشهور افزایش جرایم در این برهه، ریشه اقتصادی نداشت.

از سوی دیگر، نه تنها در مقطع اوایل دهه هفتاد، بلکه در کل سه دهه اخیر، متغیرهای کلان اقتصادی مذکور تأثیری بر روی جرایم نداشته است. عدم رابطه میان این دو، نیازمند علت‌کاوی در تحقیق دیگری است؛ اما شاید ساختار حمایت خانوادگی در ایران، در شرایط دشوار اقتصادی، مانع فرو غلتیدن افراد در جرایم می‌شود و احتمالاً تنها قشرهای خاصی به جرایم کشیده می‌شوند. کما اینکه خانم چائو در چین به یک الگوی دو قطبی از جرایم در دوران تحولات اقتصادی چین می‌رسد که یک سر آن نخبگان و یک سر آن اقشار بسیار فقیر است. بنابراین بررسی دقیق‌تر نتیجه عدم تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی، نیازمند تحقیقات جداگانه است.

مطلب دوم: برنامه‌های توسعه اول و دوم بیشتر از جنس اقتصادی بودند (ناداری مهدیی و دیگران، ۱۳۸۸) و این تغییرات را در زمان کوتاهی دنبال کردند. سیاست‌های تعدیل اقتصادی به ویژه در برنامه اول توسعه، در مدت کوتاهی، صد و هشتاد درجه چرخش

نسبت به دوران جنگ را به جامعه تحمیل کرد. با این تغییرات نامتوازن و شتابان اقتصادی، بخش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عقب مانده و جامعه دچار عدم تجانس نهادی شد. همین عدم تجانس نهادی بر اساس نظریه دورکیم (دورکیم، ۱۳۶۹) افزایش جرایمی چون قتل، سرقت، اختلاس، ارتشاء و... را در پی داشت.

تحلیل دقیق عناصر مختلف عدم انسجام نهادهای کشور و تأثیر و تأثر نهادهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پس از دستکاری اقتصادی در برنامه‌های توسعه و همچنین نحوه تأثیر آن بر جرایم موضوعی بس پیچیده، ذو ابعاد و نیازمند اطلاعات مختلف و تحقیقات دیگر است. برای اینکه این پیچیدگی تقریب به ذهن شود، تحلیلی بسیار اولیه و خام و برشی ساده از آنچه در آن مقطع روی داده ارایه می‌شود. در روند خصوصی‌سازی و آزادسازی، مدیران دولتی در معرض فرصت‌های اقتصادی قرار گرفتند که برای دیگران فراهم نبود. به دلیل فقدان سازوکارهای نظارتی و عدم توجه به بعد حقوقی توسعه (یکی از ابعادی که داگلاس نورث در اقتصاد نهادگرا بر آن تأکید می‌کند) و سوسه این فرصت‌ها بخشی از مدیران، به ویژه در لایه‌های میانی را به سوء استفاده از موقعیت سیاسی، اختلاس، ارتشاء و ... کشاند. نمونه بارز این جریان در اختلاس ۱۲۳۰۰۰۰۰۰۰۰ تومانی برادر مدیر عامل وقت بنیاد مستضعفان در اوایل دهه هفتاد بود. جهش در ثروت با خود رفتارهای نابهنجار نوکیسه‌گان، یعنی تجمل و نمایش ثروت (به گفته رفیع پور در (رفیع پور، ۱۳۷۷)) را به همراه آورد. این تجمل و ثروت در نخبگان سیاسی کشور و نمایش آن، ثروت را به ملاک کامیابی و ارتقای اجتماعی تبدیل کرد. این گسترش سونامی‌وار فرهنگ «ثروت یعنی کامیابی» که هیچ تمهید و پیش‌بینی به لحاظ توسعه فرهنگی برای آن پیش‌بینی نشده بود، همه جای کشور را فراگرفت. این شکاف میان خواسته‌ها و امکانات واقعی (به گفته مرتون) در سطح عموم مردم یکی از دلایل افزایش جرایم بود. جلوگیری از فساد اداری و سوءاستفاده از موقعیت‌ها علاوه بر سازوکارهای قضایی که پیش‌بینی نشده بود، نیازمند نظارت جامعه نیز بود. اما متأسفانه به دلیل آن‌که بعد سیاسی توسعه و نهادینه‌سازی نظارت مردم مغفول واقع شده بود، هنگامی که روزنامه سلام در سال ۱۳۷۳، اختلاس ۱۲۳ میلیاردی را فاش می‌کند، موضوع سیاسی و امنیتی تلقی شده و سردبیر روزنامه سلام دستگیر می‌شود و این به معنای آن است که کانالی برای نظارت مردم پیش‌بینی نشده بود. این تحلیل تنها بخشی از واقعیت را به هم دوخته است و ارایه تصویری دقیق از روابط پیچیده میان نهادها در آن دوره نیازمند تحقیقات دیگر در آینده است.

اما رابطه میان انسجام نهادها و جرایم به دوره پس از برنامه های اول و دوم و سیاست‌های تعدیل اقتصادی در اوایل دهه هفتاد خلاصه نمی‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان دادند که افزایش عدم انسجام نهادی از سال ۱۳۸۴ نیز که اقدامات اقتصادی در پیشانی کار قرار گرفته و با شتاب زیادی نسبت به سایر ابعاد جلو رفت، باعث شد تا نرخ رشد شاخص عدم انسجام نهادی به شدت و در مدت کوتاهی به یک و نیم برابر افزایش یابد؛ و همین امر موجب افزایش بیشتر جرایم گردد. بنابراین هیچ تفاوتی نمی‌کند، چه سیاست‌های تعدیل اقتصادی چه برنامه تحول اقتصادی، هر دو به دلیل آن‌که تنها به بعد اقتصادی در جامعه توجه کردند، جامعه را با آشفتگی نهادی و افزایش جرایم روبرو کردند.

و بالعکس زمانی که برنامه‌های توسعه سوم (تصویب در ۷۹/۱/۱۷) و چهارم (تصویب در ۸۳/۶/۱۱) رویکرد خود را توسعه همه جانبه قرار دادند و برای مباحث اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز به موازات اقتصاد اهمیت قابل شدند، مشاهده گردید که در این مقطع، یعنی ۱۳۸۱ (حدود دو سال پس از اجرای برنامه سوم) تا ۱۳۸۴ (حدود یک سال و نیم پس از اجرای برنامه چهارم) که جامعه بر اساس این دو برنامه جلو رفت، انسجام نهادها در کشور افزایش و جرایم کاهش یافت.

مطلب سوم: عدم انسجام کارکردی نهادها نه تنها در مقاطع زمانی یاد شده، بلکه در کل دوره ۲۵ ساله متغیر تعیین‌کننده در تحول جرایم به حساب می‌آید. هفتاد درصد تغییرات جرایم در سه دهه اخیر توسط متغیر عدم انسجام کارکردی نهادها تبیین می‌شود. این در حالی است که متغیرهای اقتصادی با جرایم رابطه نشان ندادند. این موضوع بدین معنی است که جرایم در کشور بیش از آنکه ریشه اقتصادی داشته باشد، به نحوه مدیریت کلان و پیش برد توسعه ربط دارد؛ اگر توسعه اقتصادی به گونه‌ای باشد که به طور همزمان به مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توجه نکند، در آن صورت حتی اگر مانند اوایل دهه هفتاد درآمد سرانه مردم هم افزایش پیدا کند، باز هم جرایم افزایش پیدا می‌کند. موضوع به نحوه توسعه اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه اگر عدم انسجام نهادها در اثر تغییرات پی‌درپی مدیران کلان و حذف سازمان‌های هماهنگ کننده مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بالا رود، باز هم جرایم به مانند دوره پس از سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا می‌کند. در مجموع بر اساس یافته‌های این تحقیق به نظر می‌آید که مهم‌ترین متغیر در برنامه کلان پیشگیری از جرم در کشور ایران را می‌بایست عدم انسجام کارکردی میان نهادهای جامعه دانست.

مطلب چهارم: در کتاب تقسیم کار دورکیم دو مسیر نظری برای افول اخلاق قابل ردیابی است: اول) جامعه در گذر از انسجام مکانیکی به ارگانیکی، نظارت وجدان عمومی خویش را تا حدود زیادی از دست داده و هنوز تقسیم کار به عنوان عامل همبستگی شکل نگرفته است؛ دوم) جامعه مدرن شده و عامل تقسیم کار به عنوان ناظر اخلاقی عمل می‌کند و وجدان عمومی نقش چندانی ایفا نمی‌کند، اما گاهی برخی ناهنجاری‌ها و بیماری‌ها مانند تقسیم کار نابسامان موجب افول اخلاق در جامعه می‌شود. به نظر می‌آید هنگامی که هفتاد درصد تغییرات اخلاقی جامعه توسط تقسیم کار میان نهادها تغییر می‌یابد و هر گاه عدم انسجام بالا می‌رود، نرخ جرایم نیز بالا می‌رود و برعکس، این موضوع نشان‌دهنده ماهیت مدرن جامعه ایرانی به معنی دورکیمی است؛ یعنی این طور نیست که ما در دوره گذار از سنت به مدرنیته به سر ببریم و تقسیم کاری هنوز شکل نگرفته باشد، بلکه تقسیم کار شکل گرفته و با تغییرات خود تأثیری جدی بر تغییرات جرایم در جامعه می‌گذارد. هر چند که هنوز وجدان عمومی حضور دارد و نمی‌توان کاملاً نقش آن را حذف کرد. دستکاری نهادی و تغییرات شتابان اقتصادی در برنامه‌های توسعه، بر اخلاق و نرخ جرایم اثر می‌گذارد. این موضوع به خوبی نشان‌دهنده پیوستگی اخلاق جامعه ایرانی با همبستگی نهادی و تقسیم کار است. ایران در حالت گذر از سنت به مدرنیته نیست که بنیان اخلاقی قبلی در حال از بین رفتن باشد و بنیان جدید هنوز شکل نگرفته باشد؛ بلکه بنیان اخلاقی جدید، یعنی تقسیم کار، شکل گرفته و اخلاق جامعه با آن بالا و پایین می‌شود. بنابراین، ایران در حالتی از مدرنیته است که اخلاق خویش را تا حد زیادی از انسجام میان نهادهای خویش می‌گیرد. این موضوع دیدگاه آزاد در مورد وجود مدرنیته ایرانی را تأیید میکند ((آزاد ارمکی، ۱۳۸۵) و (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴)).

مطلب پنجم: این که ایران در دوره گذار نیست و جرایم ناشی از قرار گرفتن در چنین دوره‌ای نیست، بدین معنی است که جرایم مسأله لاینحلی نیست که باید منتظر رسیدن به مدرنیته و نقطه تعادل بعدی باشیم؛ بلکه اکنون و با کاهش عدم انسجام نهادی تا حد قابل توجهی افزایش شدید جرایم قابل جبران است؛ و نمودار جرایم نیز نشان می‌دهد که در دوره سوم (۸۱ تا ۸۴) به دلیل توسعه همه جانبه و توجه هماهنگ به ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در کنار اقتصاد، میزان جرایم به مقدار دهه ۶۰ نزدیک شد. بنابراین برای جلوگیری از افول اخلاق در جامعه ایران در هنگام برنامه‌ریزی، بیش از هر چیز

باید نگران عدم انسجام نهادی بود، زیرا هر موقع برنامه‌های توسعه در انسجام نهادی تغییر ایجاد کردند، جرایم را نیز با خود تغییر داده‌اند.

مطلب ششم: با وجود آن‌که در این پژوهش حکومت به عنوان نمونه‌ای از جامعه در نظر گرفته شده بود، اما در هر صورت آن‌چه اندازه‌گیری شد انسجام میان نهادهای حکومت بود. این‌که انسجام نهادهای حکومت به تنهایی هفتاد درصد تغییرات جرایم در کشور را تبیین کرده به خوبی نشان دهنده نقش قابل توجه حکومت در جامعه ایرانی معاصر است. این موضوع به نظریه آزاد ارمکی در مورد جامعه معاصر ایرانی نزدیک است که از میان سه نهاد خانواده، دین و دولت در دوره معاصر نهاد دولت غالب است.^۱ بنابراین حکومت و به ویژه دولت در ساحت زندگی ایرانی نقش جدی و واقعی دارد که این نقش می‌تواند برخلاف دیدگاه‌های مشهور جامعه‌شناسی در ایران که همواره در مورد دولت دیدگاهی منفی داشته است، نقشی سازنده باشد.

مطلب هفتم: با وجود آن‌که مغایرت قانونی به عنوان شاخص اندازه‌گیری متغیر مستقل عدم انسجام نهادها در نظر گرفته شده است و به خودی خود متغیر مستقل در این تحقیق نیست، اما وجود رابطه میان افزایش مغایرت‌های قانونی و جرایم می‌تواند معنادار و الهام‌بخش باشد. با در نظر گرفتن جمعیت کشور در سال ۱۳۸۹ اگر دو مصوبه به مصوبات دارای مغایرت در سال اضافه شود، ۴۰۰۰۰ مورد جرم به جرایم کشور افزوده می‌شود. تأثیر انسجام میان قوانین بر جرایم نشان می‌دهد که برخلاف اظهار نظر برخی مبنی بر اینکه ایران یک جامعه هنجاری و عرفی است و قوانین در آن نفوذ ندارند، می‌توان نشان داد که قوانین در رفتار جامعه ایرانی تأثیر دارد. از این رو به نظر می‌آید که پیشنهاد آزاد ارمکی مبنی بر انسجام دستگاه قانونی جهت سامان دادن به حوزه عمومی پیشنهاد مؤثری است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴)؛ هر چند که چگونگی تأثیرگذاری مغایرت‌های قانونی بر جرایم نیازمند تحقیقات تجربی دیگری می‌باشد.

مطلب هشتم: از آنجا که انسجام یا عدم انسجام نهادها بر رفتارها و جرایم چنین اثری دارد، می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه ایرانی برای تبیین تحولات و تغییرات باید در تحلیل‌های جامعه‌شناختی ایران، به تحلیل نهادی توجه بیشتری نشان داد. هنگامی که تعامل یا تزاخم نهادها نقش مهمی در تحولات جامعه ایران دارد، یعنی تصویر و نقشه

۱. آزاد ارمکی، تقی. مبانی نظام اجتماعی ایران؛ خانواده دین و دولت.

جامعه ایرانی بیشتر نهادی است و باید تعامل و تزام نهادها را رصد کرده و تحلیل کرد.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده: برای رسیدن به مجموعه‌ای جامع جهت تبیین و سیاست‌گذاری کلان جرایم، این تحقیق را می‌توان در کنار تحقیقات دیگری قرار داد که در ادامه پیشنهاد می‌شود:

اول؛ در این تحقیق با رویکرد دورکیمی و به شکل آماری رابطه میان انسجام کارکردی نهادها و جرایم برای هر یک از مقاطع و دوره‌های زمانی پس از برنامه‌های توسعه، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ استخراج شد. تا اینجا تنها وجود رابطه میان عدم‌انسجام نهادی و جرایم تأیید شد، اما درباره چگونگی تأثیر عدم‌انسجام میان نهادها و جرایم نمی‌توان اکنون سخن گفت؛ برای این منظور در وهله اول باید دانست که این انسجام میان کدام یک از بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه بوده است؟ در وهله دوم کیفیت تأثیر این ناهماهنگی‌ها بر جرایم چگونه بوده است؟ و در وهله سوم این ناهماهنگی نهادی چگونه و با کدام زنجیره علی بر جرایم اثر گذاشته است؟ پاسخ به این سؤالات را می‌توان بر مبنای دیدگاه تفهیمی وبری، هم برای تحولات رخ داده پس از برنامه‌های اول و دوم و هم برای دوره‌ها و مقاطع بعدی (دوره سوم و چهارم) در تحقیق یا تحقیقات جداگانه مورد بررسی قرار داد.

دوم؛ پس از آنکه تحقیق فوق انجام شد و علاوه بر رابطه عدم انسجام نهادها با جرایم، چگونگی این رابطه در مقاطع مختلف روشن شد، گام بعدی آن است که تجربه کشورهای در معرض نوسازی مورد مطالعه قرار گیرد که برای جلوگیری از افزایش جرایم، سیاستهایی را برای افزایش انسجام نهادها اعمال کردند. کشورهایی مانند اروپای شرقی و جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی پس از فروپاشی و نیز وضعیت چین پس از آزادسازی، می‌توانند نمونه‌های خوبی برای این مطالعه باشند. نتایج این مطالعه تطبیقی بر روی سیاست‌گذاری کشورهای مذکور می‌تواند ان شاء الله پیشنهادات مفیدی در سطح سیاست‌گذاری توسعه برای ایران داشته باشد.

سوم؛ متغیرهای مقاطع زمانی (Time، P1، P2، P3) حدود ۹۰ درصد تغییرات جرایم را در ۲۵ سال اخیر تبیین می‌کند. اولاً این موضوع نشان می‌دهد که اقدامات و برنامه‌های صورت گرفته در حدود سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ تقریباً کل روند افزایش یا کاهش جرایم در کشور را تبیین می‌کند، و اگر بتوان تمامی متغیرهای کلان مؤثر بر

جرایم را که با اجرای این برنامه‌ها و اقدامات دستکاری شدند، استخراج نمود، در آن صورت تقریباً ۹۰ درصد علل کلان مؤثر بر جرایم استخراج شده است. یکی از این متغیرها، عدم انسجام کارکردی میان نهادها است که بخشی از جرایم را تبیین می‌کند. اما رویدادهای مقاطع سه گانه، علاوه بر انسجام نهادی، بر متغیرهای دیگر مؤثر بر جرایم تأثیر گذاشته‌اند که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفت. با انجام تحقیقات دیگر می‌توان بررسی کرد که علاوه بر عدم انسجام نهادها، چه متغیرهای دیگری وجود دارند که با دستیابی به آنها، می‌توان برنامه جامع پیشگیری از جرایم را تدوین نمود.

منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۴). پاتوق و مدرنیته ایرانی. تهران: لوح فکر.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۵). علم و مدرنیته ایرانی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- آزاد ارمکی، ت. (بدون تاریخ). مبانی نظام اجتماعی ایران؛ خانواده، دین و دولت. بازیابی از وب سایت دکتر تقی آزاد ارمکی:
<http://azadarmaki.ir/papers/khanevade-din-dolat.pdf>
- بابایی، ف. (۱۳۸۰). تعدیل ساختاری، فقر و ناهنجاریهای اجتماعی. تهران: کویر.
- بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی. (بدون تاریخ). بازیابی در ۱۳۹۰، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <http://tsd.cbi.ir/>
- دانش، ت. ز. (۱۳۶۸). مجرم کیست، جرم شناسی چیست. تهران: موسسه کیهان.
- دورکیم، ا. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. (پ. باقر، مترجم) بابل: کتابسرای بابل.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۷). توسعه و تضاد. تهران: سهامی انتشار.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: انتشارات علمی.
- سایت اصلی مرکز آمار ایران. (بدون تاریخ). بازیابی از www.sci.org.ir
- سو، آ. ی. (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی و توسعه. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عالمی نیسی، م. (۱۳۹۰). فقدان انسجام کارکردی نهادها در دوران گذار توسعه و تأثیر آن بر روابط میان فردی در ایران. گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. استاد راهنما: دکتر تقی آزاد ارمکی.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (بدون تاریخ). بازیابی از حافظه قوانین سامانه قوانین و مقررات: <http://tarh.majlis.ir>
- قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (بدون تاریخ). بازیابی از حافظه قوانین سامانه قوانین و مقررات: <http://tarh.majlis.ir>
- نادری مهدی، ک.، کلانتری، خ.، حسینی، س.، & اسدی، ع. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای میزان مطابقت سیاست‌های برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از انقلاب

با الگوی توسعه پایدار. روستا و توسعه، ۳، ۱-۲۵.

ون آی، ا.، & اسکاستر، ک. (۱۳۸۱). تحلیل رگرسیون در علوم اجتماعی. (ح. نیرومند، مترجم) مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

Angell, R. C. (1968). **Social Integration**. In D. L. Sills, *International Encyclopedia of the Social Science* (Vol. 7, pp. 380-386). The Macmillan Company & The Free Press.

Bailey, K. D. (1990). **Social Entropy Theory: An Overview**. *Systems Practice*, 3 (4).

Bailey, K. D. (1983). **Sociological entropy theory: Toward a statistical and verbal congruence**. *Quality and Quantity* (18), 113-133.

Parsons, T. (1937). **The Structure of Social Action**. Glencoe 111: Free Press.

Perrin, N. A. (2009, October). **Analysis of Interrupted Time Series with Segmented Regression**. Retrieved from Center for Health Research: <http://www.oregoneval.org/ANALYSIS%20OF%20INTERRUPTED%20TIME%20SERIES%20FINAL.pdf>

Pridemore, W. A. (2006). **Democratization and Political Changes as Threats to Collective Sentiments: Testing Durkhiem in Russia**. 82-103.

Pridemore, W. A., Chamlin, M. B., & Cochran, J. K. (2007). **An Interrupted Time-Series Analysis of Durkheim's Social Deregulation Thesis: The Case of the Russian Federation**. 24 (2), pp. 271-290.

Smelser, N. (1964). **Toward a theory of modernization**. In A. E. Etzioni(ed.), *Social Change* (pp. 268-284). New York: Basic Books Inc.

Wagner, A. K., Soumerai, S. B., Zhang, F., & Ross-Degnan, D. (2002). **Segmented regression analysis of interrupted time series studies in medication use research**. *Journal of Clinical Pharmacy and Therapeutics*, 299-309.

Winslow, R. W. (1970). **Society in Transition; a Social Approach to Deviancy**. New York: Free Press.

Zhao, L. S. (2008). **Anomie Theory and Crime in a Transitional China (1978_)**. *International Criminal Justice Review*, 18 (2), 137-158.